

ادبیات و انقلاب (نویسندگان روس)

یورگن روله، ترجمه علی اصغر حداد. تهران: نیلوفر، ۱۳۹۶. چاپ اول، ۳۰۲ صفحه.

دکتر عیسی امن خانی^۱

معرفی کتاب: کتاب *ادبیات و انقلاب: نویسندگان روس* در اصل جلد اول از کتابی با همین عنوان است. بخش/جلد دوم کتاب به نویسندگان آلمانی و بخش/جلد سوم نیز به نویسندگانی از آسیا تا آمریکا اختصاص دارد. نویسنده این کتاب یعنی یورگن روله، ابتدا از حامیان کمونیسم بود اما در دوران استالین از مارکسیسم جدا شده، به آلمان غربی پناهنده شد و در آنجا به تألیف این کتاب و برخی کتاب‌های دیگر اقدام کرد. کتاب *ادبیات و انقلاب در ایران* ابتدا در نشر نی سپس در نشر نیلوفر چاپ شد؛ این کتاب یکی از کتاب‌های کلیدی در خصوص ادبیات و توتالیتاریسم/کمونیسم است و می‌تواند به عنوان کتابی مرجع برای پژوهشگران این حوزه باشد. ترجمه خوب علی اصغر حداد که یکی از بهترین مترجمان ایرانی است، در اقبال ایرانیان به این کتاب بی‌تأثیر نبوده است؛ نشر ترجمه کتاب بسیار روشن و روان است و کتاب از این جهت شایسته تحسین است.

ساختار کتاب: تمام مجلدات کتاب ادبیات و انقلاب، ساختاری ساده اما منطقی دارد. جدای از یک مقاله کوتاه در معرفی نویسنده که به قلم جورج استاینر (و با ترجمه عزت الله فولادوند) است و مترجم، آن را به کتاب افزوده است، کتاب یک مقدمه و دوازده فصل

^۱ دانشیار دانشگاه گلستان. Amankhani27@yahoo.com

دارد. تقریباً در تمام این فصل‌ها به یک یا چند تن از نویسندگان و شاعران روسیه و نسبت آن با کمونیسم شوروی پرداخته شده است چنان‌که فصل دوم کتاب با عنوان مراسم تدفین روشنفکری دربارهٔ ماکسیم گورکی است و فصل سوم با عنوان نخستین مکاشفهٔ جهان توتالیتار به معرفی یوگنی زامیاتین و ار معروف او رمان «ما» اختصاص دارد. البته چنان‌که گفته شد در برخی فصول بیش از یک شاعر/نویسنده معرفی شده است؛ مثلاً در فصل ستاره در آسمان اکتبر به سه شاعر معروف روسیه یعنی بلوک، یسنین و مایاکوفسکی توجه شده است. کتاب با کتابشناسی بسیار مفیدی دربارهٔ این شاعران و نویسندگان پایان یافته است.

زمینهٔ تألیف این کتاب و ارزش آن: کتاب ادبیات و انقلاب اگرچه کتابی ارزشمند است اما تنها کتاب در این زمینه نیست. ما با انبوهی از کتاب‌هایی از این دست که برخی به فارسی نیز ترجمه شده اند، مواجهیم. تعداد زیاد این کتاب‌ها نشان‌دهندهٔ آن است که این کتاب نماینده (و یا یکی از نمایندگان) جریانی در ادبیات غرب می باشد؛ جریانی که دغدغهٔ اصلی آن بررسی نسبت ادبیات با نظام‌های توتالیتار قرن بیستم (فاشیسم، نازیسم و کمونیسم) است. سال‌های پیش از جنگ جهانی اول، سال‌های تغییر در نظام‌های سیاسی در غرب به‌ویژه در اروپا بود. در این سال‌ها سه دولت توتالیتار (البته این صفت را با احتیاط باید ذکر کرد) بر سر کار آمد و زمام امور را به دست گرفت: الف) کمونیسم روسی به رهبری لنین ب) نازیسم آلمانی به رهبری هیتلر و پ) فاشیسم ایتالیایی به رهبری موسولینی. آنچه این تغییر نظام‌های سیاسی را بسیار با اهمیت ساخت نقش این نظام‌های سیاسی جدید در جنگ جهانی دوم بود. این بزرگترین جنگ تاریخ بشریت را رهبران نظام‌های توتالیتار یعنی هیتلر و موسولینی آغاز کردند و اگرچه شوروی بعدها به دشمن این

دو و به‌ویژه آلمان تبدیل شد، نباید از خاطر برد که پیش از جنگ هیتلر و استالین پیمان دوستی و همکاری امضاء کرده بودند. تبعات جنگ متعدد بود؛ ویرانی‌های گسترده و کشتار بیش از پنجاه میلیون انسان تنها بخشی از این پیامدهای اجتناب‌ناپذیر بود اما این تمام ماجرا هم نبود. اردوگاه‌های کار اجباری و کشتارهای آشویتس و نسل‌کشی چهره این جنگ را هرچه بیشتر تیره کرد.

سؤال مهمی که در آن سال‌ها و حتی تا روزگار ما مطرح است این است که این نظام‌ها چگونه در اروپایی که مهد دموکراسی بود، سر بر کردند؟ مثلاً چگونه از دل جمهوری وایمار آلمان، هیتلر آن هم بدون کودتا و با حمایت بسیاری از آلمانی‌ها، بیرون آمد و زمان امور را به دست گرفت و همین مسئله زمینه ساز پژوهش‌های گسترده‌ای دربارهٔ توتالیتاریسم شد. گام اول توضیح و تبیین نظام‌های توتالیتار و چگونگی پیدایش و تداوم آنها بود. «توتالیتاریسم» هانا آرنه معروف‌ترین کتاب در این زمینه است (آرنه: ۱۳۹۷) هرچند که نباید آثار دیگر را فراموش کرد؛ مثلاً ریمون آرون در فصلی از کتاب *سال‌های پایانی قرن*، که عنوان «طبیعت رژیم شوروی» دارد، به تبیین و تشریح نظام‌های توتالیتار به‌ویژه نظام کمونیسم روسی می‌پردازد (آرون: ۱۳۶۹: ۱۲۹).

این بحث‌ها البته همواره در حوزهٔ دانش سیاسی و تاریخی باقی نماند و به زودی به دیگر حوزه‌های علوم انسانی به‌ویژه فلسفه و ادبیات هم تعمیم داده شد. حمایت فیلسوفان بزرگی چون مارتین هایدگر از نازیسم، دلیل نگارش آثاری چون *فیلسوفان هیتلر* نوشتهٔ ایوون شرات گردید. شرات در این کتاب می‌کوشد از مناسبات پیچیدهٔ فیلسوفانی چون هایدگر، کارل اشمیت، تئودور آدورنو، ارنست کریک و ... و راز همراهی یا دشمنی این

فیلسوفان با نازیسم پرده بردارد و ... (شرات: ۱۳۹۶). همین مسئله دقیقاً در مورد ادبیات نیز تکرار می‌شود. بسیاری از محققان و پژوهشگران به بررسی نسبت شاعران و نویسندگان این عصر با رژیم‌های توتالیتار و به‌ویژه کمونیسم می‌پردازند و از مناسبات پیچیده آنها با این رژیم‌ها سخن می‌گویند. این دسته آثار را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد اول: پژوهش‌هایی که تنها به یک نویسنده یا شاعر و نسبت آن با نظام‌های توتالیتار اختصاص دارد. از این دسته کتاب‌ها، می‌توان به *ادبیات علیه استبداد* نوشته پیترو فین و پیترا کووی اشاره کرد؛ نویسندگان در این کتاب از مناسبات پاسترناک، شاعر و نویسنده بزرگ عصر شوروی و نحوه مواجهه رهبران کمونیسم روسیه با این نویسنده/شاعر و آثار سخن می‌گویند (فین و کووی: ۱۳۹۶). دوم: آثاری که به برخورد نظام‌های توتالیتار (به‌ویژه کمونیسم) با نویسنده/شاعران و آثار ادبی می‌پردازد و بر یک فرد خاص تأکید ندارد. از معروف‌ترین این آثار (البته آنها که به فارسی نیز ترجمه شده است) نیز می‌توان به *روشنفکران عالیجنابان خاکستری* نوشته ویتالی شنتالیسنسکی (۱۳۷۸)، *بچه‌های ژیاگو: آخرین نسل روشنفکران روسیه* اثر ولادیسلاو زوبوک (۱۳۹۱) و *امید علیه امید: روشنفکران روسیه در دوره وحشت استالینی* نوشته نادرزدا ماندلشتام (۱۳۹۴) اشاره کرد. *ادبیات و انقلاب* نیز کتابی است که در این بستر و برای پاسخ دادن به همان سؤال یعنی نسبت نویسندگان و شاعران با نظام‌های توتالیتاری چون نازیسم و کمونیسم نوشته شده است.

نقد و بررسی کتاب: این کتاب مانند هر کتاب دیگری قوت‌ها و ضعف‌هایی دارد؛ قوت‌ها و ضعف‌هایی که آنها را باید در مقایسه با آثار مشابه آن دریافت. نقطه قوت و ویژگی خاص این کتاب البته در مقایسه با نمونه‌های دیگری که به برخی از آنها هم اشاره کردیم،

جامعیت این کتاب است؛ جامعیت بدین معنی که برخلاف کتاب‌های قبلی که عمدتاً به بررسی مناسبات نویسندگان و شاعران با یکی از این نظام‌های توتالیتار (به‌ویژه کمونیسم) پرداخته‌اند، در این کتاب (با توجه به هر سه جلد کتاب) مناسبات نویسندگان و شاعران با تمام رژیم‌های توتالیتار قرن بیستم بررسی شده است؛ جلد دوم این کتاب به نویسندگان آلمان در زمان نازیسم هیتلری (۱۳۹۲) و جلد سوم به مناسبات نویسندگان و شاعرانی از آسیا تا آمریکا با نظام‌های توتالیتار اختصاص یافته است (۱۳۹۳).

درباره ضعف‌های این کتاب (البته اگر بتوان چنین ادعایی کرد) هم می‌توان به جنبه وقایع‌نگرانه این کتاب اشاره کرد. این کتاب اگرچه به لحاظ تاریخی بسیار ارزشمند است، ولی به لحاظ تحلیل فلسفی یا جامعه‌شناختی کم رمق به نظر می‌آید. این ضعف به‌خصوص در جاهایی که تحلیل فلسفی ضرورت دارد، کاملاً به چشم می‌آید؛ مثلاً در فصل شور و شوق آکمیست‌ها که به معرفی شاعران آکمیست روس اختصاص دارد، هیچ سخنی از تضاد دیدگاه‌های آنان با دیدگاه‌های فلسفی رهبران کمونیسم شوروی به میان نیامده است. می‌دانیم که رهبران شوروی و به‌ویژه لنین و استالین خود را فیلسوف و نظریه پرداز می‌دانستند (به یاد داشته باشیم که نظام شوروی بر مبنای اندیشه‌های مارکس فیلسوف بنا نهاده شده بود) و مخالفت آنها با شاعران نظریه پرداز آکمیست چون نیکالای گومیلیوف و اوسپ ماندلشتام یا شاعران و منتقدان فرمالیستی، جنبه فلسفی نیز داشت، نویسنده اما درباره این تفاوت‌ها چیزی نمی‌گوید. پرداختن به این تفاوت‌ها البته در اینجا ممکن نیست همین اندازه بگوییم که نگاه شاعران این جریان یا منتقدان فرمالیست، به زیبایی‌نگاهی کانتی بود؛ بدین معنی که برای آنها زیبایی ارزش فی ذاته بود حال آنکه رهبران شوروی از

درک هگل از زیبایی - که اثر ادبی را وسیله و نه غایت می دانست - تبعیت می کردند. همین تضاد در بنیادهای فلسفی، آنان را رو در روی هم قرار داد(زیما: ۱۳۹۰). البته همینجا باید بگوییم که واسطه میان هگل و رهبران شوروی چون لنین، نه مارکس بلکه متفکران دیگری چون تروتسکی بوده است و علت مخالفت و کینه شدید مارکسیست‌ها نسبت به فرمالیسم را باید در آثار تروتسکی و مقالات او مانند از ادبیات و انقلاب جستجو کرد و نه در آثار مارکس و انگلس. تروتسکی شاید اولین منتقدی (یا یکی از اولین منتقدها) باشد که هنر ناب را به بورژوازی نسبت داده، آن را بیرق بورژوازی شورشی می نامد. همچنین این تروتسکی است که خاستگاه این نوع از هنر را در جهان بورژوازی نشان می دهد و این سؤال را مطرح می کند که یک اثر هنری(هنر محض) با تمام ویژگی هایش با چه طبقه ای در ارتباط است و با چه نظم احساسی هم آهنگی دارد. متأسفانه در این کتاب هیچ اشاره ای به این مبانی نظری نمی شود و تنها به شیوه ای وقایع گرایانه به مناسبات این شاعران با حکومت بسنده می شود.

منابع:

- آرون، ریمون (۱۳۶۹)، *سال های پایانی قرن*، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: سفیر.
- آرنت، هانا (۱۳۹۷)، *توتالیتاریسم*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.
- زوبوک، ولادیسلاو (۱۳۹۱)، *بچه های ژیاگو: آخرین نسل روشنفکران روسیه*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: معین.
- زیما، پیتر وی (۱۳۹۰)، *فلسفه نظریه ادبی*، ترجمه رحمان ویسی تبار و عبدالله امینی، تهران: رخداده نو.

روله، یورگن (۱۳۹۱)، *ادبیات و انقلاب: نویسندگان روس*، ترجمه علی اصغر حداد، تهران: نی.

روله، یورگن (۱۳۹۱)، *ادبیات و انقلاب: نویسندگان آلمان*، ترجمه علی اصغر حداد، تهران: نی.

روله، یورگن (۱۳۹۳)، *ادبیات و انقلاب: از آسیا تا آمریکا*، ترجمه علی اصغر حداد، تهران: نی.

شرات، ایوون (۱۳۹۶)، *فیلسوفان هیتلر*، ترجمه حسین کاظمی یزدی، تهران: رایزن.

شتتالینسکی، ویتالی (۱۳۷۸)، *روشنفکران و عالیجنابان خاکستری*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح تهران: مازیار

فین، پیتر و پترا کووی (۱۳۹۶)، *ادبیات علیه استبداد*، ترجمه بیژن اشتری، تهران: ثالث.